

تعهد دولت‌ها مبنی بر بازبینی حقوقی تسلیحات جدید در حقوق بین‌الملل*

سیدحسام‌الدین لسانی^۱

چکیده

طبق مقررات لاهه ۱۹۰۷ حق متخصصان در استفاده از تسلیحات و ابزارهایشان در جنگ‌ها نامحدود نیست. ارتقای روزانه فناوری تسلیحاتی و نظامی ایجادکنندگان پروتکل اول ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ را بر آن داشت تا با اختصاص ماده‌ای دول عضو پروتکل را به بازبینی حقوقی تسلیحات جدیدشان مجبور و آن‌ها را به تطبیق تسلیحات جدیدشان با تعهدات بین‌المللی خود ملزم کنند؛ زیرا دولت‌ها از اواخر قرن نوزدهم طبق معاهدات گوناگون و قواعد عرفی بین‌المللی خود را متعهد به عدم تولید یا استفاده از سلاح‌های خاصی کرده‌اند اما تا قبل از انعقاد پروتکل اول ۱۹۷۷ سازوکار مشخصی برای تطبیق تسلیحات دولت‌ها با تعهدات بین‌المللی آن‌ها وجود نداشت. پروتکل اول با ایجاد ماده ۳۶ روند این کار را آغاز کرد و ایجاد رویه و فرایند این کار را به خود دولت‌ها واگذاشت. به سبب مشکلاتی که در اجرای این ماده وجود دارد تاکنون فقط شش دولت بسترسازی مناسبی برای اجرایی کردن ماده ۳۶ ایجاد کرده‌اند و بقیه دولت‌ها درباره اجرای این ماده اقدامی انجام نداده‌اند.

کلیدواژگان

اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان، بازبینی حقوقی تسلیحات، پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، سلاح‌های جدید، ماده ۳۶.

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی شماره ۳۰۱ است که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه حضرت معصومه (س) انجام گرفته است.

Email: lesani77@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه حضرت معصومه (س).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۸

مقدمه

پیشرفت بشر در فناوری تسلیحاتی در خلال قرن بیستم بسیار بیشتر از سایر پیشرفت‌ها بوده است. این رشد سبب شده است دولت‌ها برای پیشی گرفتن از رقبای خود دست به تولید یا خرید تسلیحاتی بزنند که رقبا از آن‌ها بی‌بهره‌اند. سازندگان تسلیحات، که معمولاً دولت‌ها و گاهی شرکت‌های خصوصی‌اند، صرفاً به دنبال پیدا کردن مشتری برای تسلیحات تولیدی خود هستند و مشتری نیز همواره به خرید تسلیحات با قدرت تخریب و مانور بالاتر علاقه دارد. تولید سلاح‌های جدید همچون سلاح‌های تقویت‌شده با نانوفناوری، تسلیحات خودکار، تسلیحات فضایی یا همان ضدماهواره، تسلیحات هدایت‌کننده انرژی‌های قوی همچون بمب‌های الکترومغناطیسی از یک سو و ارتقای کارایی تسلیحات قدیمی‌تر از سوی دیگر از جمله اقدامات انجام‌شده برای رشد فناوری تسلیحاتی است. بدیهی است هرچه سلاحی جدیدتر و مخرب‌تر باشد، مشتری‌های بیشتری نیز در بازار تسلیحات خواهد داشت. حقوق مخاصمات مسلحانه در راستای رسالت خود برای قانونمند کردن جنگ‌ها، حفاظت بیشتر از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی مکلف به نظارت بر تسلیحات است. این نظارت از اعلامیه سن پترزبورگ در ۱۸۶۴ آغاز شد و تا به امروز نیز ادامه دارد. اما مسلم است که اگر این نظارت از بدو تولید یا حتی تحقیقات مربوط به تولید یک سلاح انجام پذیرد، کار بسیار ساده‌تر است و اصولاً سلاح‌های مغایر با حقوق مخاصمات مسلحانه ساخته نخواهند شد. زمانی که دولت‌ها با صرف هزینه‌های گزاف سلاح جدیدی را تولید یا خریداری می‌کنند قبول این واقعیت که آن سلاح مغایر با تعهدات آن‌ها به موجب حقوق مخاصمات مسلحانه است و باید از روند بهره‌برداری خارج شود برای آن‌ها بسیار سخت و دشوار خواهد بود (برای مثال دولت آمریکا برای اجرای پروژه تولید حدود ۲۵۰۰ فروند جنگنده اف ۳۵ در سال ۲۰۱۴ مبلغی حدود چهارصد میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده است).^۱ از این رو اگر از آغاز تحقیقات، تولید، ارتقا یا خرید یک سلاح نظارت کافی از سوی همان دولت به عمل آید (سلاح مزبور تا چه حد منطبق بر تعهدات بین‌المللی یک دولت است)، آن دولت می‌تواند بدون نگرانی از صرف هزینه‌های مالی و زمانی به اکتساب آن سلاح اقدام کند و در صورت وجود هرگونه منعی در اکتساب آن، بدون ضرر مالی و زمانی اکتساب آن را متوقف کند. این گونه نظارت در حقوق مخاصمات مسلحانه صرفاً از طریق ماده ۳۶ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ است. پروتکل اول الحاقی بیش از ۱۷۰ عضو دارد و بسیاری از مفاد آن جنبه عرفی پیدا کرده‌اند. اما ماده ۳۶ نه تنها هنوز عرفی نشده است، بلکه اعضای پروتکل مزبور نیز تا کنون رویه‌های یکسان و درخور استنادی

۱. برای مطالعه بیشتر درباره این جنگنده ر.ک.:

F-35 Joint Strike Fighter (JSF) Program in: <https://fas.org/sgp/crs/.../RL30563.pdf>

برای اجرای ماده مزبور ارائه نکرده‌اند. در این مقاله ابعاد ماده مزبور از طریق منابع گوناگون بررسی و علل استقبال اندک دولتها از این ماده تحلیل خواهد شد و گریزگاه‌هایی که دولتها ممکن است با استفاده از آنها از زیر بار تعهدات خود به موجب ماده مزبور رها شوند معرفی خواهد شد و نهایتاً عواملی که می‌تواند دولتها را به اجرای مفاد این ماده وادار کند ارائه خواهد شد.

هدف این مقاله رسیدن به پاسخ این سه پرسش است:

۱. آیا نظارت حقوقی بر تسلیحات حسب ماده ۳۶ پروتکل اول صرفاً سلاح به معنای خاص را دربرمی‌گیرد یا هر ابزار جنگی را شامل می‌شود؟
۲. رویه اجرای نظام نظارت بر تسلیحات حسب ماده ۳۶ به چه نحوی است؟
۳. آیا حقوق مخاصمات مسلحانه برای کمک به دولتها برای اجرای وظایفشان در امر نظارت بر تسلیحات از کمال لازم برخوردار است؟

نظام بازبینی و نظارت حقوقی بر تسلیحات در گذر زمان

استعداد بشر برای ساخت تسلیحات قوی برای از پای درآوردن هم‌نوعان خود استعدادی شگرف است و در طی تاریخ خود را نشان داده است. از زمانی که حقوق بین‌الملل با انگیزه حمایت مستقیم از دولتها یا با انگیزه حمایت از انسان‌ها یا به عرصه وجود گذاشته است، علاقه‌مند به محدود کردن اختیار دولتها در استفاده از جنگ‌افزارهای خود بوده است. دقیقاً در زمانی که در سال ۱۸۶۴ مذاکرات مربوط به نخستین کنوانسیون ژنو در حال انجام بود، سلاحی جدید و بسیار مخرب، البته در زمان خود، در حال شکل‌گیری و توسعه بود. در سال ۱۸۶۳ گلوله‌ای که قدرت انفجاری بسیار بالایی داشت و از پوسته‌ای سخت برخوردار بود از سوی امپراتوری روسیه به جهان معرفی شد. قدرت انفجاری این گلوله در سال ۱۸۶۷ به صورتی اصلاح شد که بتواند جراحات شدیدی در بدن انسان ایجاد کند (Daoust, 2002: 346). در همین زمان بود که تزار روسیه از دولتها دعوت کرد کمیسیون نظامی بین‌المللی تشکیل دهند که نتیجه آن اعلامیه سن‌پترزبورگ ۱۸۶۸ بود. اعلامیه مذکور نخستین سند بین‌المللی درباره قانونمند کردن ابزارها و شیوه‌های جنگی است. بر اساس این اعلامیه، تنها هدف مشروع جنگ باید تضعیف نیروی نظامی دشمن باشد و این هدف به‌وسیله استفاده از تسلیحاتی که زیان‌های غیرضروری بر افراد ناتوان وارد می‌کنند یا سبب مرگ آنها می‌شوند مورد تخطی واقع می‌شود. در این اعلامیه آمده است: مسلم است که به کار بردن چنین تسلیحاتی مغایر حقوق انسانیت است. به این ترتیب، اعلامیه مذکور به کار بردن پرتاب‌شونده‌های انفجاری با وزن کمتر از ۴۰۰ گرم را ممنوع کرده است (Roberts, 1989: 29-31). اعلامیه سن‌پترزبورگ با تأکید بر اهمیت بررسی

مشروعیت سلاح‌های جدید از سوی دولت‌ها اعلام کرد: «دولت‌های عضو این حق را برای خود محفوظ داشتند که در هر زمانی بتوانند در مورد توسعه علمی تجهیزات نظامی خود فعالیت کنند و در عین حال اصول مرتبط به حقوق انسانی را مدنظر داشته باشند». در قسمتی دیگر از این اعلامیه آمده است: «دول عضو توافق می‌کنند که در خصوص تسلیحاتی که در آینده ایجاد خواهد شد اصولی را ایجاد کنند که طی این اصول کاربرد این تسلیحات با ضرورت‌های جنگی و حقوق بشریت متوازن باشد». تا زمان ایجاد پروتکل اول ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، که ماده ۳۶ خود را به الزام دول عضو به بازبینی حقوقی تسلیحات جدید اختصاص داد، در هیچ سند بین‌المللی دیگری به این الزام دولت‌ها در بازبینی حقوقی تسلیحاتشان و مطابقت این تسلیحات با تعهدات بین‌المللی آن‌ها اشاره‌ای نشده است. با توجه به این‌که اعلامیه سن پترزبورگ، همان‌طور که از نام آن پیداست، جنبه الزام‌آور ندارد می‌توان ادعا کرد که ماده ۳۶ پروتکل اول تنها ماده‌ای در سطح حقوق بین‌الملل است که از دولت‌ها می‌خواهد به بازبینی حقوقی تسلیحات جدید خود اقدام کنند. در این ماده آمده است: «دول معظم متعهد در زمان انجام تحقیق، ارتقا، اکتساب یا پذیرش تسلیحات، وسایل و شیوه‌های جنگی جدید متعهدند بررسی کنند که آیا به‌کار بردن آن سلاح در تمام یا برخی شرایط به‌وسیله این پروتکل یا هر قاعده دیگری در حقوق بین‌الملل که برای آن دولت لازم الاجرا می‌باشد ممنوع شده است یا خیر؟»

هرچند که فاصله زمانی ۱۹۷۷ (زمان انعقاد پروتکل اول تا به امروز) معاهدات بسیاری منعقد شده است که به ممنوع یا محدودسازی سلاح‌هایی اعم از برخی سلاح‌های متعارف، سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و لیزری اقدام کرده‌اند، اما در هیچ‌کدام از این معاهدات دول عضو مکلف نشده‌اند که بررسی کنند سلاحی که قصد تولید یا خرید یا ارتقای آن را دارند آیا با تعهدات بین‌المللی آن‌ها مطابقت دارد یا خیر؟ (هرچند با توجه به ممنوعیت صریح تولید سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، بحث تولید این گونه سلاح‌ها دیگر مطرح نیست). اجرای صحیح این ماده می‌تواند حقوق بین‌الملل را از تصویب معاهدات دیگری درباره سلاح‌هایی که در آینده به بازار خواهند آمد معاف کند؛ زیرا در صورت رعایت قواعد محدودکننده تسلیحاتی (بدون ذکر نام سلاح خاصی) که در قواعد قراردادی و عرفی بین‌المللی آمده‌اند (مانند اصل تفکیک یا منع رنج بی‌بهده) سازندگان تسلیحات آینده به رعایت این محدودیت‌ها مجبور می‌شوند و رعایت ماده ۳۶ تضمین اجرای این محدودیت‌ها خواهد بود. بنابراین، این ماده مانعی بر سر راه دولت‌ها برای انعقاد معاهداتی نخواهد بود که تولید، تکثیر یا استفاده از سلاحی را ممنوع کنند. در طی مذاکرات مربوط به انعقاد پروتکل، کشورهای کوچک پیشنهاد تشکیل کمیته‌ای را دادند که طبق آن استفاده از برخی تسلیحات متعارف به پیشنهاد کشورها ممنوع یا محدود شود. اما کشورهای مخالف این کار را تبدیل یک کنوانسیون حقوق

بشردوستانه به یک معاهده خلع سلاحی دانستند و با آن مخالفت کردند (Sandoz, 1987: 422).

صلیب‌سرخ به‌عنوان بانی و حامی نیز کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های ۱۹۷۷ آن در سال ۱۹۹۶ اجلاسی را درباره «عملیات درمانی و اثرات تسلیحات» در مونتره (سوئیس) برگزار کرد و از این اجلاس این نتیجه گرفته شد که برخی سلاح‌ها ذاتاً مهلک‌اند و سبب زیان‌های شدید و غیرضروری می‌شوند. از این رو، صلیب‌سرخ پروژه‌ای به نام سایروس^۱ را تعریف کرد که عبارت «ممنوعیت به کار بردن تسلیحات، گلوله‌ها، مواد و روش‌های جنگی که ذاتاً سبب جراحات شدید و آسیب‌های غیرضروری می‌شوند» گرفته شده است. در این پروژه به تسلیحات از این زاویه نگریسته می‌شود که مهلک بودن برخی تسلیحات به سبب طراحی آن‌هاست و نه نحوه استفاده از آن‌ها. از این رو، مهلک بودن آن‌ها قابل پیشگیری و پیش‌بینی است (McClelland, 2003: 400). هرچند صلیب‌سرخ در این پروژه مشخص نکرد که آیا می‌توان به ضرورت نظامی برای ایراد جراحات شدید یا آسیب‌های غیرضروری استناد کرد یا خیر؟ آمریکا همواره از منتقدان اصلی پروژه مزبور بوده و معتقد است اطلاعات جمع‌آوری‌شده‌ای که به ایجاد این پروژه منجر شده است صرفاً از آسیب‌های واردشده به افراد در مناقشات داخلی و محلی (خصوصاً در آفریقا) و آن هم بیشتر درباره استفاده از مین‌های ضد نفر استخراج شده است و قابلیت اتکا برای برنامه‌ریزی را ندارد (Introduction to the Law of War, 2002: 178).

در ۱۹۹۹، در بیست‌وهفتمین کنفرانس بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال احمر دولت‌ها تشویق شدند مکانیسمی را ایجاد کنند که تعیین کند کاربرد تسلیحاتی که اختراع خودشان باشد یا آن را وارد کرده باشند با تعهدات بین‌المللی لازم‌الاجرا برای آن دولت مطابق است یا خیر؟ همچنین در این کنفرانس دولت‌ها تشویق شدند که مکانیسم‌های کاربردی خود را در این زمینه با یکدیگر مبادله کنند. در دومین کنفرانس بازبینی کنوانسیون سلاح‌های متعارف در ۲۰۰۱ نیز دول عضو این کنوانسیون توافق کردند آن دسته از دولت‌هایی که تا به حال تسلیحاتشان را بازبینی حقوقی نکرده‌اند تعهد خود را حسب ماده ۳۶ پروتکل اول به اجرا درآورند.

اقدام دیگر صلیب‌سرخ در قالب کنفرانس بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال احمر در سال ۲۰۰۳ انجام شد. در این کنفرانس از دولت‌هایی که پروسه‌ای برای بازبینی حقوقی تسلیحات دارند دعوت شد تا با همکاری صلیب‌سرخ تجارب خود را با سایر دولت‌ها مبادله کنند و با این کار سایر دولت‌ها را به اجرای ماده ۳۶ پروتکل اول ترغیب

1. Prohibition on employing weapons, projectiles and material and methods of warfare of a nature to cause Superfluous Injury or Suffering.

کنند. نتیجه این کار در قالب کتابچه راهنما در سال ۲۰۰۶ از سوی کمیته صلیب سرخ منتشر شد.^۱

گفتنی است که برخی دولت‌ها حتی قبل از انعقاد پروتکل اول ۱۹۷۷، در اقدامات یک‌جانبه‌ای فرایندی را برای بازبینی حقوقی تسلیحاتشان ایجاد کردند. یکی از این دولت‌ها سوئد است که در سال ۱۹۷۴ با ایجاد «هیئت نمایندگی سوئد در پروژه نظارت حقوق بین‌الملل بر تسلیحات» این وظیفه را برای هیئت مذکور ایجاد کرد که تمام سلاح‌هایی که ارتش، پلیس یا گارد ساحلی سوئد قصد ورود آن‌ها به پروسه بهره‌برداری را دارند، از سوی این هیئت بررسی شوند که به‌کارگیری آن‌ها مغایر حقوق بشردوستانه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی دولت سوئد نباشند (Jacobsson, 2006: 185).

ایالات متحده آمریکا نیز چنین برنامه‌ای را در سال ۱۹۷۴ و متعاقب پایان جنگ ویتنام اجرا کرد؛ بر اساس آن وزارت دفاع مکلف شد تعهدات جنگی این کشور را به مرحله اجرا درآورد و با بازبینی حقوقی تسلیحات مانع به‌کارگیری سلاح‌هایی در نیروهای هوایی، دریایی و ارتش آمریکا شود که مغایر تعهدات بین‌المللی این کشور باشد (Daoust, 2002: 356). آمریکا پروتکل اول ۱۹۷۷ را امضا کرد اما تاکنون به تصویب نرسانده است.

مطابقت یک سلاح با تعهدات بین‌المللی کشور بررسی‌کننده

با توجه به نص صریح ماده ۳۶ پروتکل اول ۱۹۷۷، در زمان بازبینی حقوقی تسلیحات از سوی دولت عضو، آن دولت مکلف است بررسی کند که به موجب این پروتکل و سایر تعهدات بین‌المللی سلاحی که قصد مطالعه، ارتقا، تولید یا خرید آن را دارد با تعهدات کشور مزبور در تعارض و مغایرت نباشد.

در کنار تعهد محدود دولت‌های عضو پروتکل اول در عدم استفاده از سلاح‌ها و تجهیزات خاص که مطابق استفساریه صلیب سرخ از ماده ۳۵ این پروتکل، بندهای ۲ و ۳ این ماده در خصوص ممنوعیت استفاده از سلاح‌ها، شامل سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای نمی‌شود و فقط سلاح‌های متعارف را دربرمی‌گیرد (Sandoz, 1987: 398). این دولت‌ها در مقابل سایر تعهدات بین‌المللی مسئولیت دارند و باید در بازبینی حقوقی تسلیحاتشان به آن تعهدات بین‌المللی نیز توجه داشته باشند. در ادامه به بررسی اجمالی این تعهدات خواهیم پرداخت.

1. A guide to the legal review of new weapons, means and methods of warfare: Measures to implement article 36 of additional protocol 1 of 1977

۱. ممنوعیت مشخص برخی تسلیحات به موجب معاهدات بین‌المللی

برخی معاهدات، که بیشترشان جهان‌شمول‌اند، با اشاره به نام سلاح‌ها و وسایل جنگی خاصی استفاده از آن تسلیحات را برای اعضای خود ممنوع کرده‌اند. از این رو، دولت انجام‌دهنده به موجب ماده ۳۶ پروتکل اول بایستی این معاهدات را، که متعهد به آن‌هاست، مدنظر قرار دهد. این معاهدات از اعلامیه منع کاربرد پرتاب‌شونده‌های انفجاری کمتر از ۴۰۰ گرم وزن را شامل می‌شود تا کنوانسیون مربوط به ممنوعیت تولید، تکثیر، انباشت و استفاده از سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳، پروتکل ممنوعیت استفاده از سلاح‌های لیزری کورکننده ۱۹۹۵، کنوانسیون منع استفاده، ذخیره‌سازی، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر ۱۹۹۹، کنوانسیون مهمات خوشه‌ای ۲۰۰۸ و پاره‌ای از مواد اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی که صراحتاً استفاده از سلاحی خاص را ممنوع کرده‌اند. مانند بند ۱۹ ماده ۸ (۲) (b) که استفاده از گلوله‌هایی که به راحتی در بدن نفوذ کنند و پخش شوند را جنایت جنگی می‌داند.

البته توجه به این نکته نیز مهم است که میزان تعهدات دولت‌های عضو یک معاهده خاص در قبال انجام تعهدات آن معاهده ممکن است متفاوت باشد. این مسئله باید از سوی مجریان اجرای ماده ۳۶ در نظر گرفته شود. مثلاً ایالات متحده آمریکا ضمن عضویت در کنوانسیون ۱۹۹۳ پاریس درباره منع تولید، تکثیر، انباشت و استفاده از سلاح‌های شیمیایی، حق استفاده از عامل‌های کنترل شورش (مانند گاز اشک‌آور) را در زمان انجام عملیات حفظ صلح یا انجام هر عملیاتی در زمان صلح برای خود محفوظ داشته است و این مسئله را طبق مجوز رئیس‌جمهور این کشور در ۲۵ آوریل ۱۹۹۷ به مقام امین کنوانسیون اعلام کرده است. استدلال مذکور در نامه رئیس‌جمهور آمریکا این است که ممنوعیت استفاده از عامل‌های شیمیایی کنترل شورش‌ها مخصوص زمان جنگ است و خود کنوانسیون استفاده از این عامل‌ها را به عنوان «شیوه جنگی» ممنوع دانسته است؛ از این رو، استفاده از این عامل‌ها در عملیات حفظ صلح یا انجام هر عملیاتی که در زمان صلح انجام شود مانعی ندارد. همچنین این کشور حین پیوستن به کنوانسیون سلاح‌های متعارف ۱۹۸۰ (پروتکل سوم) که استفاده از بمب‌های آتش‌زا را در اهداف نظامی واقع شده در نزدیکی غیرنظامیان ممنوع می‌کند قائل به اعمال حق شرط شده و این حق را برای خود محفوظ داشته است، زمانی که تشخیص دهد استفاده از چنین بمب‌هایی در اماکن مذکور سبب کاهش ضایعات و تلفات انسانی می‌شود می‌تواند از آن‌ها استفاده کند. مثلاً در صورتی که تشخیص دهد یک کارخانه تولید بمب شیمیایی نزدیک مناطق مسکونی را اگر با بمب آتش‌زا هدف قرار دهد، کارخانه منهدم می‌شود و دیگر بمب شیمیایی تولید نمی‌کند، مجاز به استفاده از چنین بمب‌هایی خواهد بود (Introduction to the Law of War, 2002: 186).

۲. ممنوعیت مشخص برخی تسلیحات به موجب حقوق عرفی بین‌المللی

قواعد عرفی بین‌المللی حقوق مخاصمات مسلحانه قواعدی لازم‌الاجرا برای تمام دولت‌هاست و از طریق نحوه عملکرد دولت‌ها در طی سال‌ها سرچشمه گرفته و به وسیله دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا یا سایر مراجع بین‌المللی شناسایی شده‌اند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ۲۰۰۵ با انتشار کتابی به نام *مجموعه قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی*، که حاصل پروژه پژوهشی‌ای درباره شناسایی قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی است، توسط تعدادی از کارشناسان خبره و مسلط در این رشته جمع‌آوری شده است و ۱۶۱ قاعده عرفی در حقوق بشردوستانه بین‌المللی را معرفی کرده است. از بین ۱۶۱ قاعده عرفی جمع‌آوری شده به وسیله صلیب سرخ به جز یکی دو قاعده بقیه قواعد مورد توافق و پذیرش دولت‌ها و محاکم بین‌المللی‌اند و استنادهای بسیاری به این مجموعه قواعد گردآوری شده از سوی صلیب سرخ از نخستین روزهای انتشار آن در ۲۰۰۵ آغاز شده است (ممتاز، ۱۳۹۰: ۳۵). در این مجموعه، عرف بین‌المللی برخی تسلیحات خاص را ممنوع اعلام کرده است. بنابراین، دولت‌ها در حین بازبینی حقوقی تسلیحات خود حسب ماده ۳۶ پروتکل اول بایستی به آن توجه کافی داشته باشند. در این مجموعه از قواعد عرفی بین‌المللی، از سلاح‌های سمی (قاعده ۷۲)، میکروبی (قاعده ۷۳) و شیمیایی (قاعده ۷۴) گرفته تا تله‌های انفجاری (قاعده ۸۰) و سلاح‌های لیزری (قاعده ۸۶) ممنوع اعلام شده است (Henckaerts, 2009: 251-292). از این رو، دولت‌هایی که عضو برخی معاهدات ممنوع‌کننده تسلیحات نشده‌اند، طبق قواعد عرفی بین‌المللی از داشتن این تسلیحات منع می‌شوند.

۳. اصول کلی حقوق مخاصمات مسلحانه قابل اعمال در خصوص تسلیحات

تعهد دولت‌ها در عدم استفاده از تسلیحاتی که به موجب قواعد حقوق بین‌الملل صراحتاً ممنوع شده‌اند جای شک و شبهه ندارد. مشکل در تسلیحاتی است که همه‌روزه از سوی دولت‌ها یا بخش خصوصی به بازار تسلیحاتی جهان وارد می‌شوند و به سبب کارایی‌های بالای خود مشتاقان خرید بسیاری نیز دارند. مسلماً قانونمند کردن هر سلاح جدیدی که به بازار وارد می‌شود یا هر سلاحی که در کارایی‌های آن اصلاحاتی داده می‌شود غیرممکن است؛ زیرا تعداد تسلیحات جدید یا با فناوری‌های جدید همواره رو به افزایش‌اند. از این رو، ایجاد و برقراری پاره‌ای قواعد اصولی می‌تواند نتیجه مورد درخواست را محقق کند بدون آن‌که نامی از هر سلاح برده شود. ژاکوب کلنبرگر، رئیس وقت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، در نطق رسمی خود که به مناسبت شصتمین سالگرد انعقاد معاهدات ژنو ایراد کرد تأکید کرد که نیازی نیست قواعد موجود (اعم از قراردادی یا عرفی) با طبیعت رو به تحول مخاصمات مسلحانه هماهنگ شوند

(Kellenberger, 2009). کریستوفر گرین‌وود نیز در مقاله خود نوشته است: «قواعد اصولی حقوق مخاصمات مسلحانه این قابلیت را دارند که در خصوص تسلیحاتی که در زمان ایجاد آن اصول حتی به ایجاد چنین تسلیحاتی فکر هم نمی‌شد اجرا گردند. انعطاف این اصول کلی سبب می‌شود که این اصول در سطح گسترده‌تری نسبت به قواعد خاص موجود در مورد هر سلاح خاص، قابل اعمال باشند» (Greenwood, 1999: 221). به نظر برخی از نویسندگان خلأهای آشکار در حقوق قراردادی نه تنها ضعف نیستند، بلکه نقطه قوت محسوب می‌شوند. از این تصریح به برخی ممنوعیت‌ها راه را برای قرارداد مصادیق بیشتر در قالب امور ممنوعه خواهد بست. از نظر این نویسندگان ایجاد قواعد خاص درباره هر سلاح موجب کاهش تأثیر اصول حقوق مخاصمات مسلحانه می‌شود. مثلاً مک لاگلین در مقاله خود به توسعه امروزی گلوله‌های موسوم به دام‌دام (گلوله‌هایی که در بدن پخش می‌شوند) اشاره می‌کند و معتقد است وجود معاهده خاص درباره این گلوله‌ها بیشتر از تأثیر مثبتش تأثیر منفی دارد. او می‌نویسد: «امروزه با توجه به ممنوعیت ایراد خسارات پهلوپهلو و جراحات تصادفی، نیازی به قانون‌گذاری خاص در مورد این‌گونه تسلیحات و هر سلاحی که با رشد فناوری ارتقا پیدا کرده است نیست» (McLaughlin, 2011: 107).

اصولاً ممنوعیت‌های کلی‌ای که حقوق تسلیحات ایجاد کرده مربوط به سلاح‌هایی است که موجب خسارات غیرضروری یا فوق‌العاده می‌شوند و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به این ممنوعیت‌ها به‌عنوان یکی از اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی اشاره کرده است (ICJ Advisory Opinion on Nuclear Weapons, 1996: para. 238).

۳.۱. اصول کلی حقوق مخاصمات مسلحانه قابل کاربرد در خصوص تسلیحات در پروتکل

اول ۱۹۷۷

با توجه به متن ماده ۳۶ پروتکل اول، نخستین ملاک برای ارزیابی حقوقی تسلیحات توجه دولت انجام‌دهنده عمل بازبینی حقوقی به مفاد پروتکل اول ۱۹۷۷ و موارد ممنوع و محدودکننده برخی تسلیحات در این پروتکل است. این ماده به‌دنبال ماده ۳۵ پروتکل مزبور آمده است که یکی از بحث‌برانگیزترین مفاد پروتکل اول محسوب می‌شود. در بند ۲ ماده اخیرالذکر اعضای پروتکل از به کار بردن سلاح‌ها، موشک‌ها و استفاده از شیوه‌های جنگی‌ای ممنوع شده‌اند که به وارد کردن صدمات بیش از حد و درد و رنج غیرضروری منجر شوند. در بند ۳ ماده مزبور نیز دول عضو از استفاده از ابزارها و شیوه‌های جنگی‌ای ممنوع شده‌اند که هدف از کاربرد آنها ایجاد خسارات شدید، گسترده و درازمدت در محیط زیست باشد. ماده ۳۵ حسب توافق دول شرکت‌کننده در کنفرانس انعقاد پروتکل، شامل سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای نمی‌شود و صرفاً سلاح‌های متعارف را دربرمی‌گیرد. دولت هند تنها دولتی

بود که برداشت خود از این ماده را شامل سلاح‌های متعارف و سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای اعلام کرد (Sandoz, 1987: 398). تسلیحات و شیوه‌های جنگی ممنوع‌شده در پروتکل اول عبارت‌اند از:

۱. ممنوعیت استفاده از تسلیحات، موشک‌ها و شیوه‌های جنگی که طبیعتاً موجب آسیب یا زیان سنگین و غیرضروری می‌شوند (بند ۲ ماده ۳۵).
۲. ممنوعیت استفاده از ابزارها و شیوه‌های جنگی که قصدشان ایراد زیان طولانی‌مدت، شدید و گسترده به محیط زیست طبیعی است (بند ۳ ماده ۳۵ و ماده ۵۵).
۳. ممنوعیت به کار بردن روش‌ها یا وسایل جنگی که یک هدف نظامی مشخص را دقیقاً نمی‌توانند نشانه‌گیری کنند و نتیجتاً به اهداف نظامی و غیرنظامی و همچنین غیرنظامیان بدون تبعیض ضربه وارد می‌کنند (ماده ۵۱ بند ۴ قسمت «b»).
۴. ممنوعیت استفاده از وسایل و روش‌های جنگی که آثار آن‌ها محدود به مصادیق ذکرشده در پروتکل اول نمی‌شود و نتیجتاً اهداف نظامی و غیرنظامی را بدون تفکیک مورد هدف قرار می‌دهند (ماده ۵۱، بند ۴، قسمت «c»).
۵. ممنوعیت بمباران اهداف صرف نظامی واقع در شهرها، شهرک‌ها یا روستاها یا سایر مناطق محل زندگی غیرنظامیان یا محل‌هایی که اهداف غیرنظامی وجود دارند با هر روشی (ماده ۵۱، بند ۵، قسمت «a»).
۶. ممنوعیت انجام حملاتی که ممکن است تصادفاً سبب آسیب‌هایی به زندگی غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی یا مجموعه‌ای از هر دو شود (ماده ۵۱، بند ۵، قسمت «b»).

۳. ۲. اصول کلی حقوق مخاصمات مسلحانه قابل اعمال در خصوص تسلیحات به موجب

قواعد عرفی بین‌المللی

در چندین قاعده از مجموعه قواعد عرفی جمع‌آوری‌شده توسط کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ در ۲۰۰۵ ممنوعیت‌هایی درباره تسلیحات به طور عام و بدون ذکر نام سلاح خاصی در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از:

۱. ممنوعیت استفاده از وسایل و توسل به شیوه‌هایی که سبب زیان شدید و غیرضروری می‌شود (قاعده ۷۰).
۲. ممنوعیت توسل به روش‌ها و وسایل جنگی که قصدشان ایراد زیان گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست است؛ در خصوص این قاعده عرفی که قاعده ۴۵ است گفتنی است که اولاً عرفی بودن این قاعده فقط در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی شناسایی شده و در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی ماهیت عرفی ندارد و ثانیاً ایالات متحده آمریکا مخالف

پابرجای (Persistent Objector) این قاعده به طور کلی است و سه کشور آمریکا، فرانسه و انگلستان مخالف شمول این قاعده دربارهٔ سلاح‌های هسته‌ای‌اند (Henckaerts, 2009: 215-216). از این رو، با توجه به مخالفت مصرانهٔ این سه کشور با عرفی بودن این قاعده، این قاعده البته فقط برای همین سه کشور عرفی محسوب نمی‌شود و سایر دولت‌ها به عرفی بودن آن ایرادی وارد نکرده‌اند.

۳. ممنوعیت استفاده از تسلیحاتی که منافی اصل تفکیک‌اند. این ممنوعیت شامل وسایلی نیز می‌شود که قادر به تشخیص یک هدف نظامی به طور دقیق نیستند (قاعدهٔ ۱۲).

۴. ممنوعیت بمباران اهداف صرف نظامی در شهرها، روستاها و شهرک‌ها یا سایر مناطق نزدیک محل زندگی غیرنظامیان یا نزدیک اهداف غیرنظامی (قاعدهٔ ۱۳).

۵. ممنوعیت آغاز حملاتی که ممکن است سبب آسیب به حیات غیرنظامیان، زیان به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی یا مجموعه‌ای از آن‌ها شود (قاعدهٔ ۱۴).

امروزه اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و اهداف نظامی و اهداف غیرنظامی اصلی پذیرفته شده در حقوق بشردوستانه است که شکی دربارهٔ عرفی بودن آن وجود ندارد. بنابراین، در قاعدهٔ ۱۲ و ۱۳ صلیب سرخ برای خود جای باز کرده است. اصل تناسب نیز که در قاعدهٔ ۱۴ آمده است قاعده‌ای است که از حمایت دیوان کیفری بین‌المللی برخوردار است و اساس‌نامهٔ این دیوان نقض این قاعده را به موجب مادهٔ ۸ قسمت (b) (۴) جنایت جنگی می‌داند و نیز دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی معروف سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۹۶ بر اهمیت این اصل به عنوان یک قاعدهٔ عرفی تأکید می‌کند. قاعدهٔ منع رنج بیهوده نیز از قواعد پذیرفته شدهٔ عرفی در حقوق بشردوستانهٔ بین‌المللی است و دیوان در رأی اخیر الذکر بارها به آن اشاره کرده است.

ممنوعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای نیز در قالب اصول و قواعد عرفی حقوق مخاصمات مسلحانه می‌گنجد. هرچند مسئلهٔ مشروعیت توسل به سلاح‌های هسته‌ای در موقعیت‌های خاص همچنان مسئله‌ای مناقشه‌برانگیز است. اگر این مسئله در قالب اصول پایه‌ای حقوق مخاصمات مسلحانه (Jus in Bello) تحلیل شود، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مغایر قواعد عرفی حقوق مخاصمات مسلحانه است. استفاده از سلاح هسته‌ای از آن‌جا که مرگ انسان‌های بسیاری را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، موجب آسیب‌های شدیدی می‌شود به افراد در معرض مرگ و آن‌هایی که زنده مانده‌اند و حتی اعضای نسل‌های آینده‌ای که هنوز به دنیا نیامده‌اند و نهایتاً کلیهٔ اهداف نظامی و غیرنظامی را بدون هیچ‌گونه تفکیکی مورد هدف قرار می‌دهد که مغایر اصل اساسی تفکیک و منع رنج بیهوده است. برخلاف آن‌که در خلال مذاکرات مربوط به پیش‌نویس پروتکل‌های الحاقی، دولت‌های دارندهٔ تسلیحات هسته‌ای تأکید کردند که قواعدی که در این پروتکل‌ها در حال تصویب است، به‌خصوص مواد ۴۸ تا ۵۸ پروتکل اول الحاقی، نباید به نحوی تفسیر شود که به عدم مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای منجر شود (کولب و هابد،

۱۳۹۴: ۲۵۷). با این حال دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی سلاح‌های هسته‌ای هر چند با احتیاط تصریح کرده است که:

«تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای باید با مقتضیات حقوق بین‌الملل لازم‌الاجرا در مخاصمات مسلحانه خصوصاً اصول و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی مطابقت داشته باشد. این مسئله از مقتضیات مذکور در بالا سرچشمه می‌گیرد که به موجب آن تهدید یا استفاده از سلاح‌های اتمی عموماً مغایر با قواعد حقوق بین‌الملل لازم‌الاجرا در زمان مخاصمات مسلحانه و به‌خصوص اصول و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی است» (ICJ Advisory Opinion on Nuclear Weapons, 1996: para.105).

۳.۳. ممنوعیت کلی برخی تسلیحات به موجب اصول بشریت و انسان‌دوستی

بیشتر حقوقدانان بر این امر هم‌عقیده‌اند که سکوت حقوق مخاصمات مسلحانه درباره یک سلاح دلیلی بر مشروعیت آن سلاح نیست؛ زیرا غیر از آن دسته از منابع حقوقی که بدون ذکر نام از یک سلاح خاص اصول و قواعدی کلی در خصوص حقوق مخاصمات مسلحانه وضع کرده‌اند، اخلاق نیز در خصوص این موضوع ساکت نبوده است. شاید اعلام ممنوعیت یک سلاح توسط هیئت بازبینی‌کننده حقوقی تسلیحات یک کشور با استناد به اصول انسان‌دوستی، اعلامی غیرحقوقی و اظهارنظری بیشتر اخلاقی محسوب شود تا اظهارنظری حقوقی که لازمه آن پشتوانه مآخذی مستند و مستدل است. اما اگر بند ۲ ماده ۱ پروتکل اول را بررسی کنیم، با عبارتی برخورد می‌کنیم که در قواعد حقوق بین‌الملل به طور عام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی به‌طور خاص کمتر دیده‌ایم. به‌موجب این بند در مواردی که شامل این پروتکل یا سایر توافقی‌نامه‌های بین‌المللی نمی‌شود، غیرنظامیان و همچنین متخاصمان تحت حمایت اصول حقوق بین‌الملل مذکور در عرف مستحکم، اصول بشریت و افکار عمومی‌اند. این شرط که به شرط مارتنز (Martens Clause) مشهور است در مقدمه مقررات لاهه ۱۹۰۷، مقدمه مقررات سوم لاهه ۱۸۹۹ و مقدمه پروتکل دوم ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ ریشه دارد که بر اساس آن در زمانی که نه عرف مسلم و نه معاهده‌ای برای حمایت از غیرنظامیان و حتی نظامیان وجود دارد، انسانیت می‌تواند تعیین‌کننده نحوه برخورد متخاصمان باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی مشورتی سلاح‌های هسته‌ای بر اهمیت شرط مارتنز تأکید می‌کند و اظهار می‌دارد: «در مورد وجود و قابلیت اعمال این شرط شکی وجود ندارد» و در ادامه می‌گوید: «این اصل یک وسیله مؤثر در مقابل تحول سریع فناوری نظامی است». در انتها نیز دیوان نتیجه می‌گیرد که این شرط ریشه در عرف بین‌المللی دارد. بر اساس نظر دیوان، حقوق بشردوستانه بین‌المللی درباره تمام انواع تسلیحات اعمال می‌شود و جدید بودن یک سلاح مانع اعمال حقوق بشردوستانه بین‌المللی درباره آن نیست (ICJ Advisory Opinion on

(Nuclear Weapons, 1996: para 78-87). بنابراین، استناد احتمالی هیئت ارزیابی‌کننده حقوقی تسلیحات یک دولت بر اساس ماده ۳۶ پروتکل اول به اعلام ممنوعیت یک سلاح صرفاً بر اساس اصول انسانیت و این‌که این سلاح اصول بشریت را زیر پا می‌گذارد، استنادی صحیح و حقوقی است. هرچند نامی از آن سلاح در قواعد قراردادی یا عرفی بین‌المللی نیامده باشد.

۳.۴. ممنوعیت استفاده از برخی شیوه‌های جنگی در حقوق مخاصمات مسلحانه

حقوق مخاصمات مسلحانه شیوه‌های مجاز جنگی را در قالب لیستی توأم با جزئیات نیاورده است. این مسئله حاکی از آن است که طرفین مخاصمه مجاز به استفاده از کلیه شیوه‌های جنگی‌اند که ممنوع نشده باشد. در این مفهوم، می‌توان گفت که تمام اقداماتی مجازند که ممنوع نشده باشند. با این‌حال، این گفته را با دقت بیشتری باید مطرح کرد؛ زیرا عدم ممنوعیت صریح یک سلاح یا شیوه جنگی در حقوق مخاصمات مسلحانه مثلاً در قالب یک معاهده خاص، هرگز به معنای مجاز بودن آن سلاح یا شیوه جنگی به طور مطلق نیست؛ زیرا کلیه تسلیحات و شیوه‌های جنگی باید منطبق با قواعد کلی حقوق مخاصمات مسلحانه از قبیل اصل تفکیک (ممنوعیت حملات غیرقابل تفکیک) و اصل انسان‌دوستی باشد که در قاعده ممنوعیت ایراد خسارات غیرضروری یا شرط مارتنز تبلور یافته است. از این رو، در صورتی که ثابت شود تسلیحات یا شیوه‌های جنگی مورد نظر مغایر با یک ممنوعیت خاص یا قواعد کلی نیستند می‌توان گفت که حقوق مخاصمات مسلحانه آن‌ها را ممنوع نکرده است و به‌کارگیری آن‌ها مجاز است (کولب و هاید، ۱۳۹۴: ۲۹۴). از جمله شیوه‌های جنگی ممنوعه موارد ذیل‌اند:

۱. به‌گرسنگی کشانیدن غیرنظامیان به عنوان روش جنگی یا محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است (ماده ۵۴ پروتکل اول الحاقی).
۲. استنکاف از امان دادن ممنوع است. این قاعده نخستین بار در مقررات لاهه عنوان شد و بعداً در پروتکل اول الحاقی هم تکرار شد.
۳. به خدمت اجباری گرفتن اتباع دشمن برای جنگیدن علیه کشور خودشان ممنوع است. این شیوه نخستین بار در مقررات لاهه مطرح و بعداً در کنوانسیون‌های ژنو نیز تکرار شد.
۴. سوءاستفاده از پرچم متارکه جنگ یا پرچم، نشان‌ها و لباس‌های متحدالشکل دشمن یا سازمان ملل یا علائم مشخص کنوانسیون‌های ژنو به نحوی که به مرگ یا آسیب شدید به اشخاص منجر شود ممنوع است (ماده ۸ اساس‌نامه ICC).

تسلیحات مشمول عمل بازبینی حقوقی

بر اساس ماده ۳۶ پروتکل اول «سلاح‌های جدید، شیوه‌ها و ابزارهای جنگی» باید مورد بازبینی

و نظارت حقوقی قرار بگیرند. جدید بودن یک سلاح بر اساس دو ضابطه قابل تعیین است: ضابطه اول آن است که آن سلاح برای کشوری که قصد استفاده از آن را دارد جدید باشد. بنابراین، به روز بودن فناوری یک سلاح ملاک نیست، بلکه مهم آن است که این سلاح به تازگی به دست دولت ارزیابی کننده رسیده باشد. هر چند که ممکن است سالها از تولید اولیه آن گذشته باشد. مثلاً یک نوع خاص تانک یا تفنگ ممکن است بیست یا سی سال پیش کشوری آن را تولید کرده باشد و امروز از سوی کشور دیگری خریداری شود. بنابراین، این سلاح برای این دولت جدید به حساب می آید. کمیته بین المللی صلیب سرخ پیشنهاد کرده است که دامنه عمل بازبینی به تسلیحاتی که از نظر فناوری جدید نیستند، اما برای آن دولت جدید نیز تسری یابد. از این رو، عمل بازبینی می تواند شامل تسلیحات و مهمات قدیمی تری باشد که تجدید کارایی نیز شده اند (ICRC, 2006: 935). دومین ضابطه سال ساخت یا خریداری آن سلاح است که باید بعد از تاریخ عضویت کشور ارزیابی کننده در پروتکل اول ۱۹۷۷ باشد. از این رو، کلیه تسلیحاتی که دولت عضو پروتکل اول پس از تاریخ عضویتش تولید یا خریداری می کند مشمول ماده ۳۶ پروتکل خواهند بود. بر این اساس، سلاحهایی که در زمان عضویت یک دولت در پروتکل اول در خدمت ارتش بوده اند و مورد استفاده واقع شده اند جدید محسوب نمی شوند و نیازی به بازبینی حقوقی ندارند. البته به نظر می رسد بازبینی حقوقی بر روی تسلیحات موجود از قبل در ارتش یک کشور، حسب پروتکل مانعی نداشته باشد، بلکه باید مورد تحسین نیز واقع شود. ارتقای یک سلاح در دوران حیاتش نیز عنوان جدید را به سلاح می دهد؛ خواه این ارتقا جنبه کاربردی داشته باشد یا این کار برای استفاده از فناوری جدید باشد. اما اگر ارتقای یک سلاح تغییری در ماهیت کاربردی آن ندهد، مثلاً وزن آن را کاهش دهد تا نیروی نظامی راحت تر آن را حمل کند، سلاح جدید محسوب نمی شود. در استفساریه صلیب سرخ از ماده ۳۶ آمده است که منظور از «سلاحها، ابزارها و شیوه های جنگی» ذکر شده در این ماده تسلیحاتی است که به نحو گسترده در مخاصمات استفاده می شوند. خواه این سلاحها ضد تجهیزات باشند یا ضد نفر یا مهلک باشند یا غیر مهلک (Sandoz, 1987: 425).

با توجه به این که ماده ۳۶ تعریفی از سلاح ارائه نمی دهد، به نظر می رسد ارائه یک تعریف از سلاح لازم باشد؛ زیرا نبود تعریف دقیق از سلاح می تواند اجرای ماده ۳۶ را با مشکل مواجه کند. عموماً دولت ها به این نتیجه رسیده اند که هر ابزاری که بتواند سبب ایجاد جراحت یا مرگ افراد و تخریب اموال شود سلاح محسوب می شود (Blake and Imburgia, 2010: 169). از این رو، بی سیم های نظامی که برای برقراری ارتباط بین واحدهای نظامی به کار می روند سلاح محسوب نمی شوند. در تعاریف گوناگونی که از سلاح از سوی کشورهای گوناگون به عمل آمده است نیز عناصری همچون ایجاد جراحت در رزمندگان، کشتن رزمندگان یا ایجاد خسارت در اهداف مورد اشاره قرار گرفته اند (McLaughlin, 2011: 107). ارتش استرالیا در اجرای تعهد

خود به موجب ماده ۳۶، سلاح را این‌گونه تعریف کرده است: «یک وسیله جنگی تدافعی یا تهاجمی که برای تخریب، ایجاد جراحت، شکست دادن یا تهدید کردن به کار می‌رود. این تعریف شامل سیستم‌های تسلیحاتی، مهمات، شبه‌مهمات، تدارکات، ابزارهای هدف‌گیری و سایر مکانیزم‌های ایجاد خسارت یا جراحت می‌گردد» (Australian Department of Defence, 2005: 1). کارگروه حقوق جنگ ایالات متحده نیز سلاح را شامل «انواع جنگ‌افزار، مهمات، مواد، وسایل، مکانیزم‌ها و تجهیزاتی می‌داند که قصدشان ایجاد جراحت، خسارت، تخریب یا ناتوان‌سازی افراد یا اموال باشند» (ICRC, 2006: footnote 17). کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در کتابچه راهنمای خود درباره نظارت و بازبینی بر تسلیحات جدید که در سال ۲۰۰۶ منتشر کرد از عبارت شیوه‌ها و ابزارها، به جای تسلیحات استفاده کرده است (ICRC, 2006: 937). یکی از نویسندگان در مقاله خود سلاح را شامل آن تجهیزات، مهمات و ابزارهایی می‌داند که قابلیت تهاجمی داشته باشند. او در ادامه تأکید می‌کند که قابلیت کاربردی سلاح ملاک است نه وضعیت فعلی و ساختاری آن (Boothby, 2009: 344). (منظور این است که از یک سلاح ممکن است عملاً برای هدف خاصی استفاده شود، اما آن سلاح قابلیت‌های بیشتری داشته باشد).

اهمیت ارائه تعریفی دقیق از سلاح به این دلیل است که عدم وجود یک تعریف دقیق از آن می‌تواند سبب شود هر دولت برای طفره‌رفتن از بازبینی تسلیحات جدیدش از شناسایی فناوری جدیدی به‌عنوان سلاح طفره برود و استفاده از آن را از مصادیق توسل به زور نداند (Blake and Imburgia, 2010: 160).

زمانی که درباره سلاح محسوب شدن یک ابزار شک و تردیدی به‌وجود آید لازم است نظر مشورتی حقوقی مقامات بازبینی‌کننده تسلیحات اکتساب شود. بررسی مشروعیت یک سلاح به طراحی یا اهداف مورد نظر برای ساخت آن مربوط نمی‌شود، بلکه صرفاً به نحوه استفاده از آن سلاح در هنگام جنگ مربوط می‌شود. از سوی دیگر، یک سلاح ممکن است از عهده تست مشروعیت برای یک کاربرد خاص برآید. اما در خصوص کاربرد دیگر مردود شود. از این رو، در استفساریه صلیب سرخ آمده است که مقامات بازبینی‌کننده لازم است که تعیین کنند آیا استفاده از آن سلاح در تمام شرایط ممنوع است یا در برخی شرایط می‌تواند مجاز باشد؟ استفساریه در ادامه می‌گوید: این توقع از مقامات ارزیابی‌کننده مشروعیت حقوقی یک سلاح وجود ندارد که تمام موارد سوءاستفاده از یک سلاح را مشخص کنند؛ زیرا این کار غیرممکن است (Sandoz, 1987: 427). در کتابچه راهنمای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ درباره اجرای ماده ۳۶ آمده است که هدف از نظارت و بازبینی تسلیحات جدید جلوگیری از کاربرد تسلیحاتی است که حقوق بین‌الملل را در همه شرایط نقض می‌کنند و همچنین محدود کردن تسلیحاتی است که حقوق بین‌الملل را در برخی شرایط نقض می‌کنند (ICRC, 2006: 933).

یکی از استدلال‌هایی که مطرح شده است این است که استفاده از حرف ربط «یا» در عبارت «تمام یا برخی شرایط»^۱ در متن ماده ۳۶ می‌تواند این اختیار را به دولت‌ها بدهد که بررسی مشروعیت یک سلاح جدید را در تمام یا صرفاً برخی شرایط بررسی کنند. واضح است که بازبینی یک سلاح در زمان استفاده از آن در برخی شرایط بسیار آسان‌تر از ارزیابی آن سلاح در تمام شرایط است. از این رو، به نظر می‌رسد استفاده از حرف ربط «یا» به قصد اعطای حق انتخاب به دولت‌ها نبوده و منظور همان «و» است (Fry, 2006: 472).

تعهد دولت‌ها حسب ماده ۳۶ نه تنها بررسی طبیعت ذاتی هر سلاح است، بلکه نحوه کاربرد آن سلاح را نیز باید شامل شود؛ زیرا ممکن است نتیجه عمل بازبینی و نظارت این باشد که خود سلاح ذاتاً سلاح مشروعی است، اما استفاده از آن در برخی شرایط ممنوع است. هرچند در سایر شرایط ممکن است مجاز باشد (Boothby, 2009: 334). مثلاً هیئت بازبینی و نظارت حقوقی بر تسلیحات در سوئد استفاده از برخی جنگ‌افزارها از سوی ارتش این کشور را نامشروع دانسته است، اما استفاده از همین جنگ‌افزارها را برای نیروی پلیس مجاز می‌داند و استدلال می‌کند که اصل تفکیک بین نظامی و غیرنظامی استفاده از تسلیحات خاصی را بین متخاصمان ممنوع می‌داند. اما این اصل درباره عملیات پلیسی که در شهرها و بین غیرنظامیان انجام می‌گیرد قابل استناد نیست؛ زیرا هدف عملیات پلیس حفظ نظم عمومی و امنیت برای غیرنظامیان است. نمونه آن اسپری فلفل است که این هیئت استفاده از آن را برای ارتش ممنوع، اما برای پلیس مجاز دانسته است (Jacobsson, 2006: 189).

مسئله دیگر درباره دولت‌های تولیدکننده تسلیحات است. آن‌ها همان‌طور که بیان شد مکلف به اجرای فرایند بازبینی حقوقی‌اند. اما ملاک دیگری نیز بیان شد و آن ملاک استفاده از سلاح بود. بدین صورت که دولت‌ها زمانی که قصد استفاده از سلاحی را دارند باید آن را بر اساس ماده ۳۶ داخل پروسه بازبینی حقوقی تسلیحات قرار دهند. کلمه استفاده بارها در کنفرانس دیپلماتیک ایجادکننده پروتکل اول ۱۹۷۷ و در استفساریه صلیب‌سرخ ذکر شده است (Sandoz, 1987: 430). دلیل طرح این مطلب آن است که اگر دولتی به تولید سلاحی اقدام کند که می‌داند اگر مطابق ماده ۳۶ آن سلاح را مورد بازبینی حقوقی قرار دهد، مردود خواهد شد اما آن دولت فقط به قصد صادرات آن سلاح را تولید کند و هرگز قصد استفاده از آن را نداشته باشد، آیا تولید این سلاح مجاز است؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال مثبت است؛ زیرا کشور تولیدکننده قصد استفاده از آن سلاح را ندارد و هر کشوری که آن را بخرد خود پروسه بازبینی را انجام خواهد داد (البته به شرطی که عضو پروتکل اول باشد). اما تولید سلاحی که از عهده بازبینی حقوقی دولت‌ها موفق بیرون نخواهد آمد به نظر کاری غیراقتصادی است؛ زیرا امروزه بیش از ۱۷۲ دولت عضو پروتکل اول‌اند و الزام

1. In some or all circumstances

به اجرای ماده ۳۶ آن دارند و اگر دولتی برای تولید چنین سلاحی سرمایه‌گذاری کند، موفق نخواهد بود.

نکته‌ای که ممکن است به ذهن متبادر شود این است که آیا تعهدات مندرج در ماده ۳۶ پروتکل اول الحاقی در خصوص نظارت و بازبینی تسلیحات جدید تولیدکنندگان غیردولتی (بخش خصوصی) تسلیحات را نیز شامل می‌شود؟ به نظر می‌رسد این تعهد صرفاً دولت‌ها را شامل می‌شود و به بخش خصوصی تسری ندارد. هرچند بهتر است آن‌ها نیز قبل از تولید یک سلاح آن را با موازین حقوق بین‌الملل لازم‌الاجرا برای کشورهای گوناگون بسنجند؛ زیرا هر دولتی که آن سلاح را خریداری کند به اجرای ماده ۳۶ مکلف خواهد بود. بنابراین، اگر سلاح ایرادی از حیث تطابق با تعهدات بین‌المللی دولت خریدار داشته باشد، هرگز قراردادی برای خرید آن منعقد نخواهد شد (Fry, 2006: 473).

نحوه بازبینی حقوقی تسلیحات

با توجه به ابهام ماده ۳۶ پروتکل اول در خصوص نحوه اجرای آن ماده و اجرای فرایند بازبینی حقوقی تسلیحات، لازم است رویه مشخصی برای این کار تعیین شود. در کنفرانس دیپلماتیک مربوط به ایجاد پروتکل اول، بحث‌های بسیاری درباره ایجاد آژانس بین‌المللی‌ای متشکل از تعدادی کارشناس نظامی و تسلیحاتی و تعدادی حقوقدان برجسته مطرح شد و مدافعان ایجاد این آژانس چنین استدلال می‌کردند که هر دولتی که قصد تولید یا اکتساب یا ارتقای سلاح جدیدی را دارد سلاح مزبور را به آژانس ارائه می‌دهد و نظر وی را اخذ می‌کند. این پیشنهاد با موفقیت روبه‌رو نشد؛ زیرا نگاه هر دولت به سلاحی خاص ممکن است با نگاه سایر دولت‌ها متفاوت باشد. بدین سبب که تعهدات بین‌المللی دولت‌ها مشابه با یکدیگر نیستند؛ ممکن است دولتی عضو کنوانسیون خاصی باشد که دولت دیگر نباشد. یا دولتی از بدو ایجاد یک قاعده عرفی در خصوص محدود کردن سلاحی با آن به مخالفت برخاسته باشد. در حالی که این قاعده برای دولتی دیگر الزام‌آور باشد. از سوی دیگر، مسائل مربوط به تسلیحات از سری‌ترین اطلاعات هر کشور است که حاضر نیست آن‌ها را در اختیار عموم بگذارد. در اختیار گذاشتن اطلاعات حساس نظامی یک کشور حتی به یک آژانس بین‌المللی با افشای آن تفاوت چندانی ندارد. از این رو، بهتر است راه‌کار اجرای ماده ۳۶ را بر اساس خود پروتکل اول پیدا کنیم. ماده ۸۴ پروتکل اول دولت‌ها می‌خواهد که قوانین و آیین‌نامه‌هایی که برای اجرایی کردن مفاد این پروتکل به تصویب می‌رسانند را با یکدیگر مبادله کنند. از این رو، هر دولت مجاز است به هر نحو که صلاح می‌داند فرایند بازبینی حقوقی تسلیحات خود را برنامه‌ریزی کند. با توجه به تعداد اندک کشورهایی که سازوکار منظمی برای اجرای ماده ۳۶ دارند، تحلیل عملکرد مشابه این دولت‌ها می‌تواند راهگشای سایرین باشد.

در قدم نخست باید متولی بازبینی و نظارت حقوقی بر تسلیحات در کشور مشخص شود. اصولاً این کار باید به وسیله ارگانی هدایت شود که مسئول تحقیق، تولید یا خرید تسلیحات در کشور است. از شش کشوری که سوابقی درباره اجرای ماده ۳۶ دارند، پنج کشور هلند، نروژ، آمریکا، بلژیک و استرالیا وزارت دفاعشان را متولی بازبینی و نظارت حقوقی بر تسلیحات جدید خود قرار داده‌اند، اما در سوئد، هیئت دولت متولی این کار است. همچنین در هیچ‌کدام از دولت‌هایی که سوابقی در بازبینی دارند قانون‌گذاری ملی برای این کار انجام نشده است و از بین آن‌ها فقط سوئد این کار را با استناد به یک دستورالعمل دولتی و بقیه صرفاً با استناد به دستور صادرشده از سوی وزیر دفاع خود انجام داده‌اند (ICRC, 2006: 20).

قدم دیگر تعیین مجری عمل بازبینی و نظارت است که ممکن است یک فرد خاص یا هیئتی متشکل از چندین فرد باشد. استرالیا و آمریکا عمل بازبینی و نظارت را به یک مقام ارشد نظامی واگذار کرده‌اند و مسئولیت را بر عهده او گذاشته‌اند. هر چند او می‌تواند هیئتی را برای این کار دعوت کند، اما دولت‌های هلند، بلژیک، سوئد و نروژ مستقیماً هیئتی را مسئول بازبینی قرار داده‌اند. در این کشورها هیئت مزبور متشکل از کارشناسان حقوقی، نظامی، بهداشتی، پزشکی، زیست‌محیطی و فناوری نظامی است. کارشناسان حقوقی معمولاً حقوقدانانی بین‌المللی‌اند و از سوی وزارت امور خارجه معرفی می‌شوند. اما انتخاب مستقیم آن‌ها از سوی هیئت نیز بلامانع است (Daoust, 2002: 354-360).

انجام‌دهنده عمل بازبینی و نظارت حقوقی بر تسلیحات در هر کشور باید دسترسی کافی به اسناد تولیدکننده سلاح داشته باشد. اگر سلاح وارداتی باشد، لازم است اسناد تولید، که حاوی اطلاعات فنی سلاح است، از تولیدکننده اخذ شود و اگر سلاح در داخل کشور قرار است که تولید شود یا ارتقا یابد، اخذ این اطلاعات از پژوهشگاه‌های فنی نظامی باید صورت پذیرد. پس از بررسی اطلاعات فنی تولید، سلاح باید مورد آزمایش قرار گیرد. شاید تست یک تفنگ یا نارنجک کاری ساده باشد، اما امتحان یک توپ جنگی دوربرد خطرناک است؛ خصوصاً اگر قصد بررسی میزان تخریب مطرح باشد که علاوه بر خطر، هزینه‌بر نیز است. به نظر می‌رسد مدل‌سازی رایانه‌ای سلاح بهترین روش برای انجام این کار است؛ روشی بی‌خطر و بی‌خسارت که نتایج آن نیز دقیقاً قابل محاسبه خواهد بود. در بازبینی لازم است نحوه استفاده از سلاح مورد ارزیابی نیز مورد توجه قرار گیرد. به صورتی که نحوه استفاده از یک سلاح در جنگ دریایی با جنگ زمینی ممکن است متفاوت باشد. به نظر می‌رسد آزمایش مجدد برخی آزمایشاتی که تولیدکننده مدعی انجام آن‌ها شده است بدون ضرر باشد؛ زیرا ممکن است تولیدکننده برای بهتر نشان دادن سلاح تولیدی در نتایج برخی آزمایشات دخل و تصرف کرده باشد. بررسی گزارشات پزشکی در خصوص اثرات جراحات احتمالی ناشی از استفاده از سلاح مورد ارزیابی نیز لازم به نظر می‌رسد؛ زیرا اجرای قاعده‌ای مانند منع رنج بهبودده، که جزء قواعد

عرفی شناخته شده حقوق بشردوستانه بین‌المللی است، مستلزم داشتن گزارشی از وضعیت پزشکی مجروحان احتمالی استفاده از سلاح مورد ارزیابی است. مجری عمل بازبینی و نظارت حقوقی بر تسلیحات می‌تواند استفاده از یک سلاح را برای موارد کاربردی خاصی، مجاز و برای موارد دیگری غیرمجاز اعلام کند. این مجری حتی حق دارد تصویب مشروعیت یک سلاح را به اعمال اصلاحاتی خاص در آن منوط کند.

در باره میزان الزام آور بودن نتیجه ارزیابی از یک سلاح شایان ذکر است که مقام ارزیابی کننده که فرد است یا یک هیئت صرفاً گزارشی را تهیه می‌کند و آن را به متولی امر بازبینی و نظارت در کشور خود، که ممکن است وزارت دفاع باشد یا هیئت دولت، تقدیم می‌کند. تصمیم نهایی برای توجه یا عدم توجه به نظر مجری بازبینی کننده مسلماً بر عهده همان متولی امر بازبینی در کشور خواهد بود. اما به نظر می‌رسد با توجه به این که عمل بازبینی در راستای اجرای ماده ۳۶ پروتکل اول انجام می‌گیرد، بی‌توجهی به گزارش مجری بازبینی کننده سلاح نقض تعهدات بین‌المللی دولت مزبور خواهد بود.

با توجه به این که روند تولید یک سلاح ممکن است چندین سال به طول انجامد و حسب تعهد دولت‌ها طبق ماده ۳۶ باید از همان اوایل شروع به کار پژوهش برای تولید، مورد به هیئت ارزیابی کننده حقوقی تسلیحات ارجاع شود، بنابراین، گاه لازم است چندین بار عمل بازبینی حقوقی یک سلاح تکرار شود تا تغییرات احتمالی در طرح و نقشه آن سلاح ارزیابی شود و قواعد حقوق بین‌الملل در خصوص آن سلاح خاص، که ممکن است طی این مدت تغییر کرده باشد، مورد توجه واقع شود. حتی تسلیحاتی که مجوز خود را از هیئت نظارت کننده حقوقی بر تسلیحات اخذ نیز کرده‌اند و در حال استفاده‌اند در صورت تغییر قواعد حقوق بین‌الملل اعم از قراردادی یا عرفی، لازم است مورد ارزیابی مجدد واقع شوند (ICRC, 2006: 939).

دلایل استقبال محدود دولت‌ها از اجرای ماده ۳۶ پروتکل اول الحاقی

۱. دلایل راهبردی

بین تأثیر راهبردی سلاح یا مهماتی خاص از یک سو و وسعت قواعد مرتبط با آن سلاح یا مهمات از سوی دیگر رابطه معکوس وجود دارد؛ به طوری که هرچه تأثیر راهبردی و رعب‌آوری سلاحی بیشتر باشد، دولت مالک آن کمتر حاضر است استفاده از آن سلاح محدود یا ممنوع شود. استنباط طرفداران این نظر این است که اگر دولت‌ها حاضر به این شده‌اند که مین‌های ضدنفیر یا مهمات خوشه‌ای را ممنوع کنند، به این سبب است که به مرور زمان از درجه راهبردی این سلاح‌ها کاسته شده و این امر دولت‌ها را به ایجاد قواعد خاص درباره آن‌ها مجاب کرده است. هرچند کشورهایی مانند آمریکا، روسیه، چین، و چند دولت دیگر هنوز به

کنوانسیون منع مین‌های ضدنفر یا کنوانسیون ممنوعیت مهمات خوشه‌ای نپیوسته‌اند و این نشان‌دهنده آن است که سلاح‌های مزبور برای این دولت‌ها هنوز از اهمیت بالایی برخوردارند. این در حالی است که این وضعیت دربارهٔ سلاح‌های اتمی وجود ندارد (Schmitt, 2010: 814). از این رو، به نظر می‌رسد دولت‌ها حاضر به این نخواهند شد که سلاح‌هایی که از فناوری‌های جدیدی برخوردارند اما تأثیر راهبردی آن‌ها هنوز عملاً خود را نشان نداده است (زیرا تاکنون کسی از آن‌ها استفاده نکرده است) را تابع قواعد قراردادی خاص قرار دهند. سلاح‌هایی مانند سلاح‌های فضایی، سلاح‌های تقویت‌شونده با نانوفناوری و تسلیحات سایبری از این نمونه‌اند. این در حالی است که احتمال موافقت دولت‌ها با قانونمند کردن آن دسته از تسلیحات دارای فناوری جدیدی که امتحان شده باشند بیشتر است. نمونهٔ این قبیل تسلیحات سلاح‌های ضدنفر هدایت‌کنندهٔ انرژی‌اند.

۲. دلایل امنیتی

احتمال کتمان در اختیار داشتن تسلیحات راهبردی و قابلیت‌های آن‌ها از سوی دولت‌ها بسیار بالاست. همین امر می‌تواند از دلایل عدم اقبال دولت‌ها در قانونمند کردن چنین تسلیحاتی نیز باشد. شاید علت این عدم علاقهٔ دولت‌ها به قانونمند کردن تسلیحات راهبردی آن‌ها در این است که دولت‌ها همواره به دنبال این‌اند که از طریق توسعهٔ تسلیحات جدیدی که قدرت نظامی آن‌ها را تقویت کند بر دشمنانشان برتری نظامی پیدا کنند. یکی از نویسندگان در این خصوص نوشته است: «به طور سنتی اصل خودمحموری رازداری دولت‌ها در توسعهٔ تسلیحاتی خود را بر این اساس توجیه می‌کند که تمایز فناوری بین دولت‌ها سبب پایان سریع‌تر جنگ‌ها و بالتبع انسانی شدن بیشتر آن‌ها می‌گردد» (Nasu and Faunce, 2010: 45). نویسندهٔ دیگری در این خصوص استدلال کرده است که تأمین و حفظ منافع حیاتی ملی یکی از اهدافی است که دولت‌ها تلاش می‌کنند به آن از طریق پذیرش حقوق مخاصمات مسلحانه برسند و از این رو، دولت‌ها کمتر حاضر به پذیرش قواعد حقوقی‌اند که آزادی عمل آن‌ها را بی‌جهت محدود کند (Schmitt, 2010: 799).

با توجه به این‌که دولت‌ها به دنبال آن‌اند که از طریق حفظ اسرار امنیتی ملی و بین‌المللی برتری خود را بر سایر دولت‌ها حفظ کنند، روند بازبینی و نظارت بر هر سلاح جدیدی در حقوق بین‌الملل به زمان زیادی نیاز دارد. به این مسئله در خلال کنفرانس برخی سلاح‌های متعارف ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۰ زمانی پرداخته شده است که بررسی سلاح‌های هدایت‌کنندهٔ انرژی آغاز شد (Parks, 2006: 522).

نتیجه‌گیری

توسعه تسلیحات جدید چالشی برای حقوق مخاصمات مسلحانه نیست، بلکه مشکل این است که رشد فناوری تسلیحاتی شامل ساخت سلاح‌های جدید و بعضاً خارق‌العاده و ارتقای سلاح‌های موجود، به حدی سریع است که حقوق قادر به گام برداشتن هم‌سو با این رشد نیست. علاقه دولت‌ها به حفظ اسرار تسلیحاتی خود و تلاش آن‌ها در برخورداری از فناوری‌های برتر از سایر دولت‌ها به‌خصوص رقبا مانع آن می‌شود که بتوان آن‌ها را به‌سادگی قانع کرد که برای قانونمند کردن وضعیت سلاحی که تولید یا خریداری کرده‌اند در اجلاسی جمع شوند و در نهایت نیز آن سلاح را به نحوی محدود یا حتی در مواردی ممنوع کنند. ماده ۳۶ پروتکل اول الحاقی وظیفه نظارت بر تسلیحات جدید هر دولت را بر عهده همان دولت می‌گذارد. بدون آن‌که نامی از هیچ سلاح خاصی برده باشد و از دولت‌ها می‌خواهد با در نظر داشتن تعهدات بین‌المللی خود که در قالب اصول حقوق مخاصمات مسلحانه یا قواعد خاص درباره برخی تسلیحات است بر روند تولید، تحقیق، ارتقا یا ورود هر سلاح جدیدی به ساختار نیروهای نظامی خود نظارت کافی را داشته باشند. اگرچه ماده مزبور هنوز جنبه عرفی ندارد، اما تعداد بالای اعضای پروتکل اول الحاقی این امید را ایجاد کرده است که دولت‌های بسیاری از درجه حقوق قراردادی، ملزم به ایفای تعهدات مذکور در ماده ۳۶ پروتکل اخیرالذکر شوند. تضمین مهم برای اجرایی شدن ماده ۳۶ پروتکل اول ماده یک این پروتکل است که مشابه ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو دولت‌های عضو را مکلف می‌کند اجرای مفاد این پروتکل را ادر سراسر سرزمین خود و محدوده صلاحیت قضایی‌شان حتی با کمک بخش خصوصی تضمین کنند. سایر دول نیز به موجب ماده یک پروتکل اول مکلف شده‌اند که اجرای این پروتکل از سوی سایر اعضا را تضمین کنند. نگرانی دولت‌ها از به‌کار بردن تسلیحاتی که روزی سبب باز شدن پای آن‌ها به دیوان کیفری بین‌المللی شود از یک‌سو و نگرانی از تولید یا ارتقای تسلیحاتی که سایر دولت‌ها به سبب مغایرت آن تسلیحات با تعهدات بین‌المللی، حاضر به خریداری آن‌ها نباشند از سوی دیگر نیز تضمین مناسبی برای اجرای مفاد ماده ۳۶ پروتکل اول الحاقی به‌وسیله دولت‌هاست؛ هرچند صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی محدود به اساسنامه آن است و در آن اساسنامه تعداد سلاح‌هایی که ممنوع اعلام شده‌اند محدود است. امید است با اجرای کامل ماده ۳۶ پروتکل اول از سوی دولت‌ها از ساخت تسلیحات مغایر با اصول حقوق مخاصمات مسلحانه مانند اصل تفکیک بین اهداف و افراد نظامی و غیرنظامی و اصل ممنوعیت ایراد آسیب‌های غیرضروری جلوگیری شود و نهایتاً حقوق مخاصمات مسلحانه به هدف محدود کردن جنگ‌ها و حمایت از غیرنظامیان نزدیک‌تر شود.

منابع

۱. کولب، رابرت و هاید، ریچارد -۱۳۹۴- درآمدی بر حقوق مخاصمات مسلحانه-ترجمه دکتر سید حسام الدین لسانی-مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۲. ممتاز، دکتر جمشید ۱۳۹۰-نقش و کاربرد امروزین حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی-مجموعه مقالات همایش حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی - مجمع علمی و فرهنگی مجد.
3. Australian Department of Defence (2005) Instruction (general): legal review of new weapons 44-1.
4. Blake D, Imburgia JS (2010) Bloodless weapons? The need to conduct legal reviews of certain weapons and the implications of deifning them as weapons. □
Air Force Law Rev 66:157□204.
5. Boothby,William (2009) Weapons and the law of armed conflict. Oxford□
University Press, Oxford.
6. Daoust , Isabelle and Coupland , Robin and Ishoey,Rikke -2002-New wars, new weapons? The obligation of states to assess the legality of means and methods of warfare - International review of Red Cross ° vol.84.
7. Fry JD (2006) Contextualized legal reviews for the methods and means of warfare: cave combatand international humanitarian law. Columbia J Transnatl Law 44:453° 519.
8. Greenwood C (1999) The law of weaponry at the start of the new millennium. In: Schmitt MN,Green LC (eds) The law of armed conflict: into the new□
millennium. US Naval War College International Law Studies, vol 71. Naval War College, Newport, pp 185□231.
9. Henckaerts,Jean Marie and Doswald beck Louise-2009-Customary international Humanitarian Law-Cambridge university press.
10. ICJ Advisory Opinion on the legality of the threat or use of nuclear weapons-1996.
11. ICRC,2006, A guide to the legal review of new weapons, means and methods of warfare: Measures to implement article 36 of additional protocol 1 of 1977-International Committee of the Red Cross-Geneva.
12. Introduction to the Law of War °2002-The judge advocate generals school, US army-Virginia.
13. Jacobsson,Marie -2006-Modern Weaponry and Warfare: The Application of article 36 of additional protocol 1 by governments-International law studies-vol.82.
14. Kellenberger J (2009) Official statement of the ICRC: sixty years of the Geneva□
Conventions:learning from the past to face the future.
15. Mc Clelland ,Justin-2003-The review of weapons in accordance with article 36 of additional protocol 1-International review of red cross-vol.85.
16. McLaughlin R (2011) Unmanned naval vehicles at sea: USVs, UUVs, and the adequacy of the law. J Law Inf Sci 21:100° 115.
17. Nasu H, Faunce TA (2010) Nanotechnology and the international law of weaponry: towards International regulation of nano-weapons. J Law Inf Sci 20:21° 54.

18. Parks WH (2006) Means and methods of warfare. *George Wash Int Law Rev* 31:511° 539.
19. Roberts, Adam and guelff, Richard-1989-*Documents on the laws of war*-Clarendon Press, Oxford.
20. Sandoz, Yves and Swinarski , Christophe and Zimmermann ,Bruno-1987-*Commentary on the Additional Protocols to the Geneva Conventions*-Martinus Nijhof, -Geneva.
21. Schmitt MN (2010) Military necessity and humanity in international humanitarian law: preserving the delicate balance. *Va J Int Law* 50(4):795° 839.

